

ماہنامہ یار دبستانی بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس شهیده بنت الهدی صدر بوشهر
سال چهارم شماره ۲۳ نیمه دوم خرداد ۱۴۰۰
قیمت: اللهم عجل لوليک الفرج



در این شماره می خوانیم:

نقش خندیدن در کلاس درس
قدیما حرف، حرف آزادک بود
شیرینیش گواراک وجودتون
ما دوباره براک ایران راک مے دهیم
از کشوراک دیگه چه خبر؟



فهرست مطالب:

شماره
صفحه:
عنوان:

شیرینیش گوارای وجودتون

۲

در انتخاب باید دقت کرد

۲

ماهیمان را بگیریم

۳

معلم به روز: نقش خندیدن در کلاس درس

۴

A Mysterious Girl

۶

ما دوباره برای ایران رای می دهیم

۷

پنجره ای رو به انتخابات

۸

قدیما حرف، حرف آزادی بود

۹

پیک منتظران

۹

از کشورای دیگه چه خبر؟

۱۰

همه با هم، علیه دشمن

۱۱

شیرینیش گوارای وجودتون

دوست ندارم با روی کار آمدن دولت جوان حزب‌اللهی با خیال راحت بنشینیم یک گوشه و منتظر بهشت بشویم. اگر تا الان همراه با ملت سختی کشیده‌ایم و چه بسا بیشتر هم حرص خوردیم و دلمان پر خون شد از زخم‌هایی که در سه دوره هشت ساله جریان اصلاحات بر روح و جسم انقلاب اسلامی کشیدند؛ اکنون زحمت‌مان بیشتر شده است.

تشکیل دولت اسلامی با افراد با کفایت و با ایمان به سرعت انجام خواهد شد؛ اما آنچه بر دوش ما مدعیان جریان انقلابی و حزب‌اللهی است، تلاش برای اسلامی شدن جامعه است. تا الان دیگر بر همه (الا آنان که خود را به خواب زده اند) ثابت شد بدبختی‌هایمان از غرب، و واردات فرهنگ غربی بر روح و روان و زندگی‌مان دولتی‌مان حاکم کرده بود. حال باید همه جانبه برای عملی شدن این امر به دولت کمک کنیم. گفتنش شاید زود به نظر بیاید؛ ولی به نظرم اگر شروع نکنیم دیر هم می‌شود. خیالمان که تا حدودی راحت شد از انقلابی و باکفایت بودن مسئولین دولتمان، مردم راحت‌تر شبیه کارگزارانشان خواهند شد و ما گام دوم انقلاب را باید با سرعت بیشتری عملی کنیم. راهبردها را حضرت آقا داده‌اند و سال‌هاست آنها را داریم فقط مانده جوانان پر انرژی و امیدوار که با طرح‌ها، ایده‌ها و انجام این راهبردها، زمینه را برای به دولت اسلامی و اسلامی شدن جامعه، زمینه را برای ظهور آقا و تمدن اسلامی فراهم کنند. حالا دیگر برخی خواص بی‌کفایت هم که ته مانده‌های غده‌های بدخیم بودند، به حاشیه رفتند و تقریباً سر جایشان نشستند. تکلیفی که بر دوش ما معلمان برای کمک به اسلامی شدن جامعه است، سنگینی و اهمیتش اکنون بیشتر حس می‌شود. ما با انسان‌هایی سر و کار داریم که همان جامعه‌ی اسلامی را تشکیل می‌دهند. قرار است به فرزندان جامعه‌ی امام زمانی، از کودکی و نوجوانی‌شان یاد بدهیم برای منافع خودش، برای منافع شخصی‌اش هیچگاه تقلب نکند؛ چرا که او هم از مسئولین جامعه‌ی فرداست، تقلب کوچک او برای نمره‌ی بیشتر، اختلاس‌ها و دروغ‌های بزرگسالی‌اش را در پی خواهد داشت.

و البته برای جامعه‌ی اسلامی اول باید از اصلاح خودمان شروع کنیم. کم کم کلام حق حضرت آقا که در اوج سختی فرمودند به آینده خیلی امیدوارم را به عینه می‌بینیم و خواهیم دید؛ البته اگر دست از ادامه تلاش

برنداریم.

ما پیروزیم

ان شاء الله

فاطمه کلاتری، علوم اجتماعی، ۹۷

مقام معظم رهبری:

در انتخاب باید دقت

کرد/ به وعده و حرف

نمی‌شود اعتماد کرد

رهبر انقلاب به مناسبت
سالروز ارتحال حضرت امام
خمینی(ره) در سخنرانی
زنده تلویزیونی با مردم به
حضور حداکثری در انتخابات
اشاره کرده و فرمودند:

در مسائل مهم کشور هم همین‌جور است.

حرف آسان است. باید نگاه کرد این وعده را که این فرد می‌دهد آیا در گذشته این فرد عملی وجود دارد که این وعده را تصدیق کند یا نه.

نامزدها وعده‌هایی را که مطمئن نیستند می‌توانند انجام بدهند را ندهند. این وعده‌ها به ضرر کشور است. اگر چنانچه به ریاست جمهوری

رسیدید و نتوانستید انجام دهید، مردم را نسبت به نظام دلسرد

می‌کنید. وعده‌هایی که اهل فن تایید می‌کنند قابل تحقق است را

بدهید؛ اما این وعده‌هایی که پشتوانه عملی ندارد را این وعده‌ها را نباید داد چون موجب دلسردی مردم خواهد شد و این گناه است.

گفته می‌شود برخی بخاطر مشکلات معیشتی مردم هستند که در انتخابات شرکت نکنند. نبایستی این چیزها ما را دلسرد کند درباره انتخابات. اگر ناسامانی و ناکارآمدی وجود دارد باید آن را با انتخاب درست و خوب جبران کنیم نه با عدم انتخاب. اگر ضعفی در مدیریت‌ها وجود دارد راه چاره آن چیست؟ که ما در مدیریت‌ها دخالت نکنیم؟ یا نه، یک مدیریت به معنای واقعی کلمه اسلامی و مردمی انتخاب کنیم. در انتخاب باید دقت کرد. به وعده و حرف نمی‌شود اعتماد کرد. درباره خارجی‌ها هم همین را می‌گوییم. به مسئولین عزیز در همین قضایای هسته‌ای که در جریان است همین را می‌گوییم.

ماهیمان را بگیریم

فاطمه دولابی آموزش ابتدایی ۹۸

اگر این فرد، انتخاب مردم نباشد که وا اسفا! پس در مجلسی که قانون اساسی را تدوین کرد را گِل بگیریم و به روح پرفتوح شهید بهشتی - مدون قانون اساسی - درودها بفرستیم؛ ما اگر این فرد انتخاب ما باشد، چه می‌شود؟

ما حدود ۴۰ سال انتخاب کردیم و خوب یا بد، پای آن ایستادیم. صد البته که بسیاری اوقات هم آن را خوب جبران کردیم. فی‌المثل اگر بنی صدری را انتخاب کردیم، پای اشتباه‌مان ایستادیم و با انتخاب رجایی‌ها جبران‌ش کردیم.

انگار فراموش کرده‌ایم که "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ" هستیم؛ تا ما ملت، خودمان نخواهیم هیچ‌گاه سرنوشت‌مان تغییر نمی‌کند؛ شرایط و وضع‌مان تغییر نمی‌کند. پس اولین قدم برای تغییر زندگی‌مان را خودمان باید برداریم. قدر آزادی و حق انتخاب‌مان را بدانیم که زمانی قوم بنی اسرائیل قدر حکومت الهی‌شان که نعمت بزرگ الهی بود را ندانستند، به آن پشت کردند و گوساله پرست شدند. رهبرشان فقط ۴۰ روز آنها را به حال خود رها کرد و چنین فراموشکار شدند و قرن‌هاست که طعم آوارگی می‌چشند. به اندازه‌ی همه‌ی تاریخ در سرنوشت این قوم، عبرت نهفته است. به قول مولا علی (ع): "چه بسیارند عبرت‌ها و چه کم هستند عبرت گیرندگان".

ما معلمان که عنوان نخبگان و خواص جامعه را به دوش می‌کشیم چه وظیفه‌ای داریم؟ بله! نخبگان و خواص جامعه ایم؛ چون کار ما تربیت نسل‌هاست. پس به حکم وظیفه‌ی تربیت باید از خودمان شروع کنیم و توان بصیرت‌افزایی اطرافیان و شاگردان‌مان را داشته باشیم.

فراموش نکنیم! ما دانشجو هم هستیم. موذنان و نخبگان جامعه، بصیرت‌افزا و تصمیم‌ساز جامعه. بله! تصمیم‌ساز. وظیفه‌ی ماست تصمیم‌سازی؛ وظیفه‌ی ماست که یاد بگیریم و یاد بدهیم تصمیم‌گرفتن را، تشخیص دادن و انتخاب کردن را. آنقدر ماهی‌گیری را یاد می‌دهیم تا همه بدانند چگونه ماهی‌شان (بخوانید حق‌شان) را بگیرند. انتخاب حق ماست! از حق‌مان نگذریم.

- من که امسال رای نمیدم.

- چهل سال رای دادیم چی شد؟ مگه دردی از ما دوا شد؟ مگه کسی مشکلاتمون رو حل کرد؟ روز به روز همه چیز گرونتر شد.

- من ۳۰ سالمه، هنوز شغل مناسب و با امنیت بالا پیدا نکردم. چطور ازدواج کنم؟ با این وضع اقتصادی کدوم جوونی میتونه ازدواج کنه؟ دولت یه وام ازدواج به جوونا میده؛ اما افزایش قیمت‌ها لحظه‌ای شدن. این وام ازدواج رو به کدوم زخم زندگی بزنیم؟ اجاره و رهن خونه یا خرید جهیزیه که هر کدومش سر به فلک کشیده؟!

این صحبت‌ها و مکالمات برای هیچ کدام از ما تازه و غریب نیست. همه‌ی ما در زندگی روزمره، درگیر مشکلات اقتصادی و نابه‌سامانی‌های آن هستیم؛ پس اطاله کلام نمی‌کنم. بعضیمان گاهی آنقدر ذله می‌شویم که قهر می‌کنیم و تصمیم به رای ندادن می‌گیریم.

خب قهر هم کردیم، رای هم ندادیم، با رای ندادنمان از سیاستمداران هم انتقام گرفتیم، دلمان هم خنک شد؛ اما به بعد از خنکای وجود ناشی از آن هم فکر کرده‌ایم؟

انتخابات احتمالاً می‌تواند به اینجا ختم شود که بالاخره یک نفر بر صندلی ریاست دولت می‌نشیند و این امانت ۸ ساله‌ی دست دولت تدبیر و امید، واگذار می‌شود.

نقش خندیدن در کلاس درس

تجربه به من اثبات کرده است که خندیدن در کلاس درس درست مانند دانش آموزی است که غیبت‌های زیادی دارد و حالا وقتش است بیشتر در کلاس درس حضور پیدا کند! زیبایی‌ها و پیچیدگی‌های موجود در شوخی کردن به عنوان یک برنامه درسی انعطاف پذیر پنهان -- که ما در کلاس درس آن را آشکار می‌سازیم -- به مرور زمان دانش آموزان را تشویق خواهد کرد که سر کلاس، فردیت خود را بیشتر نشان دهند. با این ذهنیت، به دانش آموزان اجازه دهید به چیزهای خنده‌دار و بامزه لبخند بزنند. به خود و با آن‌ها بخندید. هنگامی که آن‌ها با اشتباهات خود به خنده می‌افتند، کمتر سختگیر باشید.

سه نقش معلم:

برای تشدید کردن قدرت خنده در کلاس، ما به عنوان معلم به سه نقش نیاز داریم: خالق، افسونگر و شرکت کننده.

به عنوان خالق، وظیفه شما برنامه‌ریزی و ایجاد فرصت برای خندیدن است. خنده برنامه‌ریزی شده یک هدف دارد و آن هم این است که به عادی‌سازی فرهنگ خندیدن در کلاس درس، برای شما و دانش آموزانتان کمک می‌کند. این به دانش آموزان اجازه می‌دهد تا غیر مستقیم بدانند که خندیدن در کلاس درس اشکالی ندارد. برای مثال بلند خواندن یک کتاب خنده‌دار می‌تواند یک راه برای شروع باشد.



معلم به روز



به عنوان افسونگر کلاس، مسئولیت شما این است که ناپدید را پدیدار کنید. شما باید آماده باشید تا در حین خنده‌ای که در کلاس اتفاق می‌افتد (برنامه ریزی شده و یا غیر برنامه ریزی شده) توانایی تدریس داشته باشید تا به دانش‌آموزان کمک کنید نقش خنده در کلاس درس را بهتر متوجه شوند. (تدریس می‌تواند در همان لحظه و یا در لحظاتی بعد بسته به علت خندیدن و واکنش دانش‌آموزان ادامه پیدا کند)

به عنوان یکی از شرکت‌کنندگان کلاس، شما مسئولیت دارید که هر لحظه احساس و رغبت خندیدن دارید بخندید. فقط همین!

اگر قرار دادن خنده به عنوان بخش ثابت کلاستان برای شما جدید است، باید بگوییم که نگران نباشید؛ چرا که این مورد برای خیلی از معلمان جدید است. نکته‌ای که مورد اهمیت است آن است که ذهن بازی نسبت به روش‌های جدید داشته باشیم و آن‌ها را پذیرا باشیم.

در همان حال که شما به مرور ذهنیت خود را نسبت به خندیدن در کلاس درس تغییر می‌دهید و آن را امری مثبت می‌دانید، فراموش نکنید که نه تنها به طور عامدانه برای خندیدن دانش‌آموزان خود در کلاس برنامه ریزی کنید؛ بلکه از اتفاق افتادن ناگهانی آن ابایی نداشته باشید و پذیرای آن باشید؛ چرا که در بعضی موارد مشکلات و سختی‌ها، زندگی را به کام برخی از دانش‌آموزان، همکاران و یا حتی خود شما تلخ کرده است.

پس به یاد داشته باشید که از این به بعد همه ما با هم در کلاس درس لبخند خواهیم زد.





A Mysterious Girl

It was snowing for five days. My dad was out of town. There was no water in the village. Nor in our house! When my dad's not home, I got to do some of his duties. So I had to go out and buy some water from the supermarket.

It was five kilometers away from our house, which is not very far, but the snow made it kind of impossible to *get out*, let alone *walking* that route filled with Frozen snow --

But I had to do it! My younger twin brothers were thirsty. I know it's winter now, but people do get thirsty in the winter :/ I put on my coat, scarf and hat. Opened the door yard, looked in the road. Damn, it was even hard to breathe!

I saw a little girl.... with black beautiful long braids.... she was around three or four... Sitting by the side of the route. There was a little dark brown blanket over her shoulders. She was not moving. I became closer.

There were little snowflakes sitting on her eyebrows and eyelashes. Her skin was as white as snow. It was a little pink at the top of her nose. She was staring at the route. I was like: "Nothing is clear in that route! What are you looking at little girl?!" She didn't answer. But she moved her eyelashes. She didn't seem to be able to talk.

I took off my coat and covered the little girl in it. Then I put her on my shoulders and went home. Later on, I found out, she was waiting for her mother who went away from that route. But she never came back. T_T



زهرا صداقت

آموزش زبان انگلیسی

ورودی ۹۹

ما دوباره برای ایران رای می دهیم

مرضیه بیابانی

آموزش زبان ۹۸

انتخابات

انتخابات در کشور ما یک فرصت بسیار بزرگ است و نباید آن را از دست داد. مخالفین جمهوری اسلامی نمی خواهند از این فرصت استفاده شود. این یک امکان برای ملت است یک ظرفیتی بزرگ برای پیشرفت کشور است. انتخابات برای یک کشور افتخار و فرصت است. (مقام معظم رهبری)

یکی از مهمترین اهداف امام راحل از پایه گذاری انقلاب اسلامی، رسیدن به مردم سالاری دینی بود. انتخابات، یکی از بزرگترین مظاهر مردم سالاری دینی در انقلاب اسلامی است.

انتخابات، همان فرصت نابی است که هر چهار سال یک بار برای ما مهیا می شود تا من و تو با انتخابی هوشمندانه و مدبرانه، سرنوشت کشور خود را رقم بزنیم. فراموش نکنیم نتایج انتخابی شایسته و مطلوب همواره بر سر راه این ملت جوانه خواهد زد. انتخابات، یکی از دستاوردهای طلایی انقلاب اسلامی است. وظیفه امروز ملت شریف ایران، صیانت از این گنجینه مقدس انقلابی اسلامی است تا به خلق فرصتهای استثنایی، حفظ و انتخابات یک اقدام انقلابی است. انتخابات یک مسئولیت خطیر اجتماعی است که نهایتاً به تقویت وحدت ملی، شکل دهی جریان های فکری موثر و تاثیر گزار و حفظ شکوه و عظمت ایران می انجامد. حضور در انتخابات، تعبیر دقیقی است از آری گفتن به آرمان های امام راحل و مقام معظم رهبری. حضور گسترده و پر شور و آگاهانه در صحنه انتخابات، یک استراتژی موثر و کارآمد است برای خنثی کردن توطئه دشمنانی که به دنبال دلسرد کردن ملت نسبت به انقلاب و دستاوردهای آن هستند.

شرکت در انتخابات، علاوه بر این که معادلات دشمن را به هم می زند، این امکان را برای ملت مهیا می کند تا در انتخاب مسیر سیاسی و اجتماعی کشور خود سهیم شوند. به یاد داشته باشیم رسالت امروز ما به عنوان یک ایرانی، حضور پر شور در صحنه انتخابات است. حضوری که افتخار و سربلندی ایران را به دنبال دارد. این بار نیز انگشت اشاره خود را رنگین می کنیم تا همگان آگاه باشند که ما تمام فتنه ها و دسیسه های بیگانگان را خنثی می کنیم.

آری! فرزندان ایران هیچگاه ایران خود را رها نخواهند کرد.

ایرانم! ما با تو هستیم...



پنجره ای رو به انتخابات

سال پیش همین حوالی بود که کتابی از جلال آل احمد را از کتابخانه دانشگاه امانت گرفتم و خب کرونا به تور ما خورد و آن کتاب هنوز مهمان کتابخانه‌ام است؛ لایه لای سطرهای فصل آخر کتاب (غرب زدگی از جلال آل احمد)، به جمله‌هایی تأمل برانگیز رسیدم:

فرهنگ و سیاست ما باید از قدرت‌های جوان، تند و محرک به عنوان اهرمی استفاده کنند که تاسیسات کهن را با همه‌ی سنگین‌باری‌شان به طرفه‌العینی از جا برکنند و از آنها همچون مصالحی برای ساختن دنیایی دیگر استفاده کنند. کلید واژه‌ی «قدرت‌های جوان، تند و محرک» را بارها مرور کردم؛ با خود گفتم در این روزهای خاکستری که همه‌ی ما با روزنه‌هایی از نور، کورمال کورمال حرکت می‌کنیم آیا بهتر نیست که پنجره را باز کنیم تا افق‌های روشن تری را نظاره‌گر باشیم!

این «پنجره» شاید مصداق همان تعبیر «قدرت‌های جوان، تند و محرک» جلال آل احمد باشد. قدرتی که آن قدر ضمیرش روشن باشد که پنجره‌ها را برایمان بگشاید و نور را نه تنها در خانه‌ها مان بلکه در دل‌هایمان نیز، مهمان کند. اما کلید واژه دوم، «تاسیسات کهن»!

تعریف شما دوستان، از تاسیسات چیست؟!

آیا تاسیسات خلاصه می‌شود در تعدادی تاسیسات مکانیکی، گرمایشی یا سرمایشی و گازرسانی؟

گمان نمی‌کنم تمام دغدغه امروز و فردای کشور ما در تاسیسات خلاصه شود؛ بله، یک زمانی و آن دوران بزن در رو بود که کشور ما را مشتی اجنبی چپاول کرد و منابعش به تاراج می‌رفت؛ خواه منابع انسانی یا مادی و ما چیزی شبیه به تاسیسات امروزی را نداشتیم؛ هرچند که امروز هم داریم کودکانی که سقف مدرسه‌شان از جنس چادر است نه مصالح ساختمانی؛ ولی هر چه هست و بود، ایران ما از آن تونل سرد، تاریک و نمناک بزن و در رو به سلامت عبور کرد. مجال این نیست که در چند صفحه گفته شود که کجا بودیم و اکنون کجاییم؛ اما ما امروز حداقل باید بدانیم که در چند فرسخی «تقدیر» قرار داریم، تقدیری که به نام ما، ملت، رقم می‌خورد و ماحصلش دولت است.

این تقدیر برای یک یا دو ماه نیست! برای آینده‌ای هم نیست که در تاسیسات خلاصه شود. قرار است سرنوشت عرصه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... را با انتخاب درست «خودمان» رقم زنیم. گاهی رسالت ما آگاهی است و این متن فقط گوشه چشمی بوده برای این موضوع که انتخاب امروز نسبت به دیروز بدون شک باید با آگاهی، بصیرت و ژرف‌اندیشی بیشتری همراه خواهد باشد. در این دوران تحول، ما محتاج به آدم‌هایی هستیم با شخصیت و متخصص و تندرو و اصولی؛ نه به آدم‌هایی غرب زده، نه به آدم‌هایی که انبان معلومات بشری‌اند یا همه کاره‌اند و هیچ کاره یا تنها مرد نیکند و آدم خوب یا سربه‌زیر و پا به راه یا آدم‌های سازشکار و آرام یا حرف‌شنو! این آدم‌ها بوده‌اند که تاریخ را تاکنون چنین نوشته‌اند؛ دیگر بسمان است.



قدیما صرف، صرف آزادی بود!

بی شک رفتار ما شیعیان را به پیشوایان و رهبران دینی ما نسبت می دهند. اگر ما مدعی پیروی از آنان هستیم، باید بدانیم بی ادبی و بی اخلاقی ما، به شخصیت پیشوایان مان لطمه وارد می کند.

کسی که پیرو امام زمان و منتظر اوست، باید الگوی خوبی در ادب، گفتار و رفتار باشد تا ادب او وسیله ای برای جذب دیگران به جمع هواداران و منتظران حضرت شود.

مجموعه پیام های «اخلاق مهدوی»، تلاشی برای آشنایی منتظران امام زمان با اخلاق حسنه مورد رضایت ایشان است.

ان شاء الله با آموختن و عمل به اخلاق مهدوی، زینت و آبروی اهل بیت باشیم.

۱. حسابرسی از نفس مانند یک شریک نفس همانند یک شریک برای ماست؛ پس باید برای کارهایی که انجام می دهیم، حساب و کتاب روزانه داشته باشیم. درست مثل یک کاسب که هر روز این کار را می کند و اگر این حسابرسی روزانه انجام نشود، ممکن است با مشکل مواجه شود. کسی که خود را منتظر می داند باید از عملکرد روزانه خود ارزیابی دقیقی داشته باشد تا نقطه ضعف های خود را بشناسد و آنها را به موقع اصلاح کند. باید بدانیم که ظهور امام زمان امری ناگهانی است؛ پس باید برای آن آماده بود.

روزها فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتم

۲. جذب دل های مردم آنچه آدمی را نزد خدا و خلق او محبوب می سازد، اخلاق نیکوست. پیامبر اسلام هم با صبر و حُسن خُلق خود توانستند از بین مردم خشن و بادیه نشین عصر خود، انسان هایی مهربان و بااخلاص تربیت کنند.

امروزه ما هم می توانیم به وسیله حُسن خُلق و اخلاق نیکوی خود، جاذبه بیافرینیم و دل های دیگران را به اسلام و تشیع و امام زمان متمایل سازیم. منتظر امام زمان، در اخلاق نیک هم باید نمونه و الگو باشد.

ادامه دارد...

با همین آزادی هم وقتی می خواستن ازدواج کنن نتونستن خونه ای دست و پا کنند. با همین آزادی هم وقتی دلشان بچه خواست ترسیدن بچه دار شوند. حتی زمانی که در بیمارستان دوره نقاht را می گذراندن فکر جور کردن هزینه ها بودن. آزادی داشتن؛ ولی نمی توانستن لباس یا ماشین و حتی غذایی که می خواستند داشته باشند، آزاد بودن؛ ولی باید روزی ۱۲ ساعت کار می کردند.

اما جدیداً مثل سال های قبل نیست؛ آدمهای جدید، فکر می کنند و بر سرنوشت خود و جامعه مسلط می شوند، آنها با فکر کردن در می یابند که تنها به صرف گفتن مفهوم های گسترده مانند آزادی تن به انتخاب غلط ندهند و تنها زمانی که منظور از آزادی کاملاً مشخص شود تصمیم بگیرند که این همانی هست که می خواهند یا خیر.

آنها فهمیده اند رای مسئولیت آور است پس باید با دقت و بصیرت انتخاب کنند که اگر خدای نکرده به غیر صالح رای دهند گویا دارند علیه امام حسین (ع) شمشیر می کشند (آیت الله مشکینی)

برای انتخابات خود را از ماه ها قبل آماده می کنند گذشته و حال افراد را می بینند، شعارها و گرایشات نامزدها را بررسی می کنند، تحقیق می کنند ببینند افراد متدین به کدام سمت مایلند و حتی در شناساندن نامزد اصلح به دیگران تلاش می کنند.

برای گرفتن تصمیمات درست قدرت تحلیل خود را بالا میبرند و قدرت شناخت مغالطات در مناظره ها و شعارها را کسب می کنند.

حتی مغالطه توسل به ترس و مغالطه در اشتراک لفظ را ماهرانه موشکافی می کنند، اینگونه می شود که مانند قدیما فریب نمی خورند. شهید

مطهری در رابطه با انتخابات اذعان داشتن که اگر به بهانه اینکه ملت رشد نیافته است نظرات خود را به آنها تحمیل کنیم و آزادی را از آنها بگیریم این ملت تا ابد رشد نخواهد کرد.

رشد به این است که در انتخاب کردن آزادش بگذاریم ولو در آن آزادی ابتدا اشتباه هم بکند (کتاب آینده انقلاب اسلامی ایران ص ۳۱۷)

به نظر می رسد این بار با ملتی رشد یافته روبه رو هستیم که طعم تلخ انتخاب ناصحیح را چشیده است و می دانند باید بصیرت سیاسی داشته باشد. سخن دیگر از شهید مطهری این است که سطح فکر مردم باید با تربیت صحیح اینقدر بالا برود که وقتی می خواهند فریضه اجتماعی خود را ادا کنند افراد صلاحیت دار را پیدا کنند و از روی میل و علاقه به آنها رای بدهند. (مجموعه آثار شهید مطهری ج ۱۹ ص ۲۶۶)

به یاد زمانی افتادم که امام عزیز فرمودند "سربازان من در گهواره ها هستند" ما هم قدیما مانند سربازان در گهواره امام خامنه ای بوده ایم که جدیداً به کمال رسیده ایم و او را یاری خواهیم داد.

از کشورای دیگه چه فبر؟

شورای نگهبان! نام نهادی که بیشتر در زمان انتخابات به گوشمان می‌رسد. نقدش می‌کنند؛ مورد تحسین قرارش می‌دهند؛ اما آیا تا به حال با خود گفته‌ایم که این نهاد از چه کسانی تشکیل شده و وظیفه‌اش چیست؟ شورای نگهبان از جمله نهادهای نظارتی نظام جمهوری اسلامی ایران است. به طور طبیعی وقتی فردی بخواهد جزو کاندیداهای انتخابات قرار بگیرد باید صلاحیتش تایید شود که این تایید صلاحیت در کشور ما از سوی این شورا انجام می‌شود. علاوه بر این همه مصوبات مجلس شورای اسلامی قبل از اجرا شدن، نیازمند بررسی در این شورا است تا از بروز هرگونه مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی جلوگیری شود.

این شورا از ۱۲ عضو تشکیل شده که ۶ عضو آن، فقهای هستند که با حکم رهبر عزل و نصب می‌شوند و ۶ عضو دیگر حقوق‌دانانی هستند که رئیس قوه قضاییه انتخاب کرده و برای اخذ رای اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌کند. دبیر شورای نگهبان بالاترین مقام رسمی این شورا است و اکنون آیت الله احمدجنتی دبیر آن هستند؛ اما سوال اینجاست که تایید صلاحیت کاندیداها در دیگر کشورها چگونه است؟ آیا نهادی مانند شورای نگهبان دارند؟

به عنوان مثال در آمریکا اولین جایی که تایید صلاحیت یا رد صلاحیت می‌کند حزب است. اگر فردی بخواهد نماینده کنگره شود باید به انتخابات درون حزبی راه پیدا کند و عضو یکی از دو حزب مطرح در این کشور باشد. علاوه بر این کسانی تایید صلاحیت می‌شوند که سیستم سرمایه‌داری از آن‌ها حمایت کند، یا به عبارتی این سیستم بخواهد به آن کاندیدای مورد نظر کمک مالی انجام دهد. در پژوهشی که توسط اساتید علوم سیاسی انجام شده، ۹۴ درصد افراد پیروز در انتخابات آمریکا، افرادی هستند که بیشترین هزینه را برای انتخابات کرده باشند.

شاید برایتان جالب باشد که بدانید در فرانسه برای اینکه فرد توسط نهاد نظارتی انتخابات برای نمایندگی مردم تایید صلاحیت شود لازم است حدود ۵۰۰ نفر از نمایندگان مطرح، اعم از نمایندگان مجلس یا شورا او را تایید کرده باشند و به عبارتی پای طومار تایید صلاحیت وی را امضا نمایند.

احراز صلاحیت در انگلستان هم به صورت حزبی است یعنی فرد برای تایید صلاحیتش به ناچار باید عضو یکی از دو حزب مطرح در این کشور شده و آن حزب او را تایید کرده باشد.

در چین انتخابات مبتنی بر نظام سلسله مراتبی هست. یعنی مردم به طور مستقیم افرادی را برای کنگره‌های خلق انتخاب می‌کنند و بعد این افراد انتخاب شده در کنگره‌های خلق رییس‌جمهور و سطوح بالاتر نظام از جمله افراد مجلس قانون‌گذاری این کشور را انتخاب می‌نمایند.

در کشور اتریش دادگاه قانون اساسی که اعضای آن با پیشنهاد هیأت دولت و با حکم رییس‌جمهور و دیگران به وسیله‌ی مجلس ملی و شورای فدرال انتخاب می‌شوند، بر صحت انتخابات نظارت دارند.

پارلمان کانادا نیز از دو مجلس یعنی مجلس عوام و مجلس سنا تشکیل شده است. از مهم‌ترین اختیارات مجلس عوام کانادا تأیید اعتبارنامه‌ی نمایندگان و برکناری آن‌ها می‌باشد.

همانطور که دیده می‌شود در کشورهای مختلف، نظارت به صورت مستقیم یا به شکل‌های متفاوت و طبق قانون آن کشور انجام می‌شود؛ اما نکته مهم این است که شهروندان هر کشور به قانون آن کشور احترام گذاشته و در برابر آن مطیع باشند. با این حال چرا گاهی می‌بینیم از گوشه و کنار و از جناح‌های مختلف در کشورمان به نهاد شورای نگهبان اعتراض می‌شود؟ در صورتی که عملکرد این نهاد بر طبق قانون اساسی کشور است و همه افراد نیز در برابر آن ملزم به احترام هستند.



“

همه با هم، علیه دشمن

”

مناظرات و تریبون آزاد، انگار

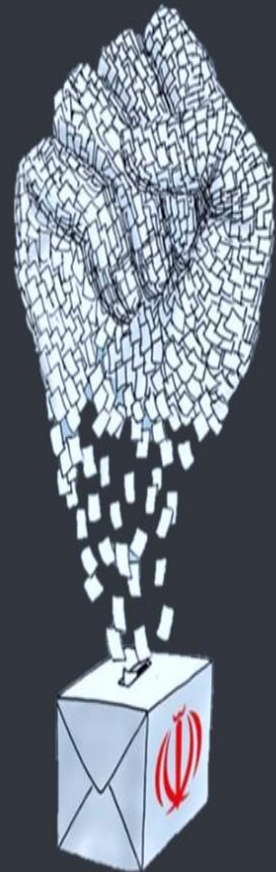
جای جنگ و دعواست...



یه عده هم که بندگان خدا شدن

که بود، که بود؟ من نبودم!

سمانه سهیلی، آموزش ابتدایی ۹۶



همه با هم، علیه دشمن

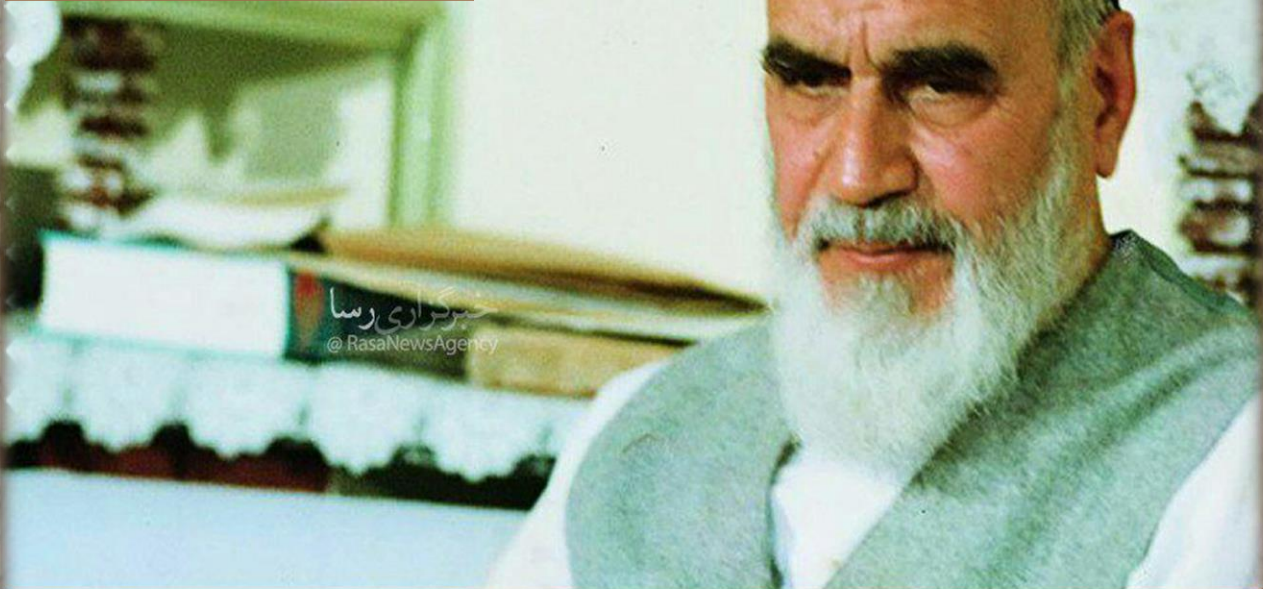
تو خورشید خشتی معلم به دل ماندگاری معلم



ایام قدیم معلم ها خاک تخته می خوردند.
یعنی آنقدر گچ را به روی تخته می کشیدند که گرد بلند می کرد.
بنویسید بابا آب داد
بخوانید باز هم موی مرا..

- وجود معلم در کلاس نظم و ذوق بچه ها بود؛ اگر لبزدش کمی متفاوت از دیروز بود، بچه ها می فهمیدند
 - و شروع به ابراز نگرانی میکردند.
 - امروز و این روز از معلم فقط عکس است و صدا؛
و دیگر صدای قدم های معلم را بین نیمکت ها نمیشنویم
 - این روزها تمام میشود
 - اما نام و نوای معلم و دانش آموز ماندنیست
- فاطمه شبانکاره، آموزش ابتدایی ۹۷





خبرگزاری رسا
 @RasaNewsAgency

در انتخابات... مردم را توجه دهید به اینکه شما می خواهید
 اسلام را حفظ کنید، باید منتخبین شما اشخاصی باشند که توجه
 به اسلام داشته باشند، متعهد به اسلام باشند
 بازیگر نباشند، به شرق و غرب توجه نداشته باشند.



صحیفه امام، ج ۱۸، ص: ۱۷۴

سردار شهید سلیمانی:
 جامعه ای صالح می شود، که افراد
 صالح بر آن حاکم شوند.

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

مدیر مسئول: نازیلا رستمی

سردبیر: فاطمه کلانتری

ویراستار: فاطمه دولابی فر

گرافیک: ساحل حیدری

هیأت تحریریه:

سیده فاطمه اسمعیلی، هانیه بحرینی، مرضیه بیابانی، ساحل حیدری، فاطمه

دولابی، فاطمه زارعی، زهرا زیارتی، سمانه سهیلی، فاطمه شبانکاره، زهرا

صدیقت، فاطمه کلانتری، فاطمه زهرا وحیدی